

## آفریقای جنوبی: رکود و عقب ماندگی اقتصادی\*

مترجم: شریف مطوف

اقتصاد آفریقای جنوبی، به دلیل بحرانهایی که هم اکنون با آنها روبه روست، شاهد نوعی سیر قهقراپی است. از ۳ سال پیش تا کنون قیمت طلا در حدود نصف قیمت آن در سال ۱۹۸۰ بوده است. علاوه بر این، فشار شدیدی که بر اثر بالا رفتن هزینه های نظامی برگشور وارد می شود، افزون بر این، بالا رفتن سطح آگاهیهای اجتماعی و سیاسی کارگران آفریقایی و گرایش آنان به تشکیل سندیکاها و نیز پیامدهای ناشی از خشکسالی فصل کشت پیشین، به بروز بحران اقتصادی در آن کشور کمک کرده است.

گفته می شود که تولید ملی در آفریقای جنوبی، از ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ به میزان ۳ تا ۸٪ در سال رشد داشته است. ولی از سال ۱۹۸۲ تاکنون، اقتصاد آن کشور روبه قهقرا نهاده است، زیرا تولید ملی در سال ۱۹۸۲ به میزان ۱٪ و در سال ۱۹۸۳ به میزان ۳٪ کاهش نشان داده است. افزون بر این، آمار تازه نشان می دهد که این روند در سال جاری (= ۱۹۸۴ - م) نیز ادامه خواهد یافت.

از راه دیگری نیز می توان تصویری درباره میزان و ابعاد بحران اقتصادی آن کشور به دست آورد. این امر از ملاحظه سقوط قیمت پول محلی (= راند) آن کشور، نیک پیداست. سه سال پیش قیمت "راند" معادل ۱/۳۰ دلار بود، اما در حال حاضر این رقم به ۰/۶ تا ۰/۶۵ دلار سقوط کرده است. یعنی اینکه میزان این کاهش از ۵۰٪ نیز تجاوز کرده است. همچنین ملاحظه می شود که این کاهش، همزمان با کاهش قیمت طلا رخ داده است. کشور آفریقای جنوبی تولیدکننده نیمی از مجموع تولید جهانی طلاست.

ناگفته نماند که بنگاههای مالی بین المللی، اکنون اعتماد خود نسبت به آینده سیاسی و اقتصادی رژیم نژادپرست جنوب آفریقا را بنابه دلیلهای روشن و مؤثری که وجود دارد، از دست می دهند. بنابراین کاهش میزان سرمایه گذاریهای شرکتهای خارجی در آن کشور، نشان دهنده وجود تردیدهایی از

\* "الرکود و الانکماش یحاصران اقتصاد النظام العنصری فی جنوب آفریقا." العالم، ۳۷ صفر

۱۴۰۵، ص ۳۸

طرف شرکتهای غربی و سرمایه‌داران جهان غرب در این زمینه است، در حالی که در گذشته، آفریقای جنوبی یکی از کشورهایی بود که بیشترین سرمایه‌های غربی را جذب می‌کرد. در دو سال گذشته، کشور یاد شده - با وجود نرخ بالای بهره در آن کشور که هم‌اکنون به ۲۵٪ در سال می‌رسد - شاهد گریز گسترده سرمایه‌ها به خارج از کشور بوده است.

#### ○ خشکسالی، قشرهای تهیدست را از پا درمی‌آورد

خشکسالی اخیر، اثرهای چشمگیری بر اقتصاد آن کشور - با وجود وضع مالی به‌نسبت خوب دولت آفریقای جنوبی - برجای گذاشته است. این خشکسالی به افزایش هزینه‌های دولت به میزان بیش از یک میلیارد راند در سال گذشته انجامید. هزینه‌های یاد شده زیر عناوین گوناگونی از جمله خسارتهای ناشی از کاهش تولیدات داخلی و افزایش حجم کالاهای وارداتی ضروری آمده است.

گفته می‌شود که کشور یاد شده در شرایط جوی عادی، کالاهای کشاورزی گوناگونی را صادر می‌کند که گاهی قیمت این کالاها به یک میلیارد راند در سال می‌رسد. صادرات، شامل ذرت، پنم، خشکبار و میوه بویژه مرکبات است.

به‌عنوان مثال در دو فصل کشت گذشته، خشکسالی به نابودی محصول ذرت منجر شد؛ در نتیجه حدود چهار میلیون تن ذرت در سال جاری (= ۱۹۸۴ - م) از خارج وارد شده است. ناگفته نپساید که ذرت، اساسیترین ماده غذایی مردم آفریقای جنوبی را تشکیل می‌دهد. قیمت ذرت وارداتی آن کشور در سال جاری به نزدیک ۸۰۰ میلیون راند می‌رسد.

#### ○ کاهش قیمت طلا

در سال ۱۹۸۰ قیمت طلا از ۸۵۰ دلار برای هر یک اونس (اونس = ۳۱/۱۰۳۵ گرم) به ۳۵۰ تا ۳۷۰ دلار در حال حاضر تنزل نمود. به عبارت دیگر میزان این کاهش حدود ۶۰٪ بوده است. اگر بدانیم که صادرات طلا، نیمی از قیمت کل صادرات کشور آفریقای جنوبی را تشکیل می‌دهد، ابعاد بحران و میزان زیان‌هایی که به اقتصاد ملی آن کشور وارد شده است را، بهتر متوجه خواهیم شد.

اقتصاد دانان آگاه به امور منطقه، عقیده دارند که افزایش یا کاهش نرخ برابری طلا به دلار، حتی به میزان یک دلار، به تغییر قیمت صادرات آن به مقدار ۳۰ میلیون راند در سال منجر می‌شود. به همین دلیل، صنعت استخراج طلا - که میزان تولید آن بیش از هر کشور دیگر است - در نتیجه کاهش جهانی قیمت طلا، با زیان شدیدی روبه‌رو شده است. در اثر این زیان میزان ارز وارد شده به کشور کاهش یافته و در نتیجه، اقتصاد کشور آفریقای جنوبی به شدت آسیب پذیر گشته است.

پس از آنکه در سال ۱۹۸۰ موازنه پرداختهای خارجی از افزایشی در حدود ۲۸۲۰ میلیون راند برخوردار بود؛ در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ وضع برگشت و کسری بودجه گسترده‌ای گریبانگیر دولت آن

کشور شد. با وجود افزایش محدودی که در سال ۱۹۸۳ در میزان درآمدهای دولت (۲۵۰ میلیون راند)، پیش آمد، لیکن در سال جاری، کسری بودجه وحشتناکی برای آن کشور حاصل گشت.

ناگفته پیداست که غرب، به صنعت استخراج طلاي آفریقای جنوبی اهمیت فوق العاده ای می دهد. این صنعت، بیشترین نیازهای صنایع کشورهای گوناگون غرب به این ماده را تأمین می کند. در سال ۱۹۸۳ کشور آفریقای جنوبی حدود ۶۸۰ تن از مجموع ۱۰۵۰ تن طلای تولیدی جهان سرمایه داری و جهان سوم را تولید کرده است. به عبارت دیگر، میزان تولید طلای آفریقای جنوبی در حدود ۶۵٪ کل طلای تولید شده در کشورهای مزبور را تشکیل می دهد.

لازم به یادآوری است که قیمت طلا به دو عامل اساسی بستگی دارد. یکی بحرانهای بین المللی و دیگری تقاضای طلا از طرف صنایع گوناگون. در هنگام وقوع بحرانهای شدید بین المللی، به دلیل گرایش سرمایه داران و بورس بازان به تبدیل اسکناسهای خود به طلا، قیمت طلا افزایش پیدا می کند. در مورد تقاضا برای طلا از طرف صنایع، دیده می شود که در هنگام وقوع رکود در اقتصاد جهانی، در سه سال گذشته، میزان تقاضای طلا برای منظورهای صنعتی نیز کاهش یافته است.

#### ○ تشکیلات کارگری

از دو سال پیش به این طرف، تشکیلات کارگری توسط کارگران آفریقایی به تدریج ایجاد شد و کم کم صورت آشکار به خود گرفت. این گونه تشکیلات تا قبل از سال ۱۹۸۲ غیرقانونی بوده است. به رغم مزاحمتها و فضای رعب و وحشتی که سدیکاهای خوان با آن روبه رو هستند، این سندیکاها توانسته اند تعداد زیادی از کارگران (بویژه کارگران معادن طلا و ذغال سنگ و پلاتین) را در این سازمانها متشکل سازند.

سندیکای معدنچیان آفریقایی در هفته ۱۷ تا ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۸۴، برای اولین بار، دست به یک اعتصاب قانونی زد. خواستهای سندیکای مزبور، افزایش دستمزدها و بهبود بخشیدن به شرایط کار و زیست کارگران سیاه پوست بود. گفته می شود که دستمزد کارگران سفیدپوست پنج برابر دستمزد کارگران سیاه پوست است.

افزون بر این، کارگران آفریقایی که در معدنها کار می کنند، در شرایطی بسیار سخت و طاقت فرسا و بدون داشتن کوچکترین امکانات بهداشتی و خدماتی، کار می کنند. گزارشهای مطبوعاتی خارجی هر از چندگاهی اشاره می کنند که استراحتگاههای مورد سکونت کارگران آفریقایی، همواره شلوغ و با کمبود دستشویی و دیگر سرویسهای بهداشتی مواجه است. علاوه بر این، عدم رعایت نظافت و بهداشت در این استراحتگاهها همواره به چشم می خورد.

## ○ فشار ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور نظامی

هزینه‌های بالا و روبه افزایش امور امنیتی و نظامی، به دلیل دخالت رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی در امور داخلی نامیبیا (واقع در جنوب غرب آفریقا)، موزامبیک و آنگولا علاوه بر درگیری با انقلابیون داخلی، یکی از مهمترین فشارهای اقتصادی و سیاسی بر رژیم نژادپرست حاکم بر آن کشور به شمار می‌رود. این هزینه‌های امنیتی - نظامی، بر دوش قشرهای زحمتکش و محروم آفریقاییان و دورگه‌ها (یعنی غیر از سفیدپوستان) بیشترین فشار را وارد می‌آورد. به کار گرفتن اعتبارهای عمرانی و رفاهی کشور برای خدمت به منافع سفیدپوستان، در حقیقت به معنی محروم ساختن مناطق وسیعی از کشور از سرمایه‌گذاریهای ضروری جهت فراهم ساختن برخی تأسیسات و خدمات اساسی مورد نیاز مانند راه، مدرسه، مسکن و خدمات بهداشتی است.

افزون بر اینکه رژیم نژادپرست در اساس در جهت خدمت به اروپاییان مهاجر (بیگانگان) که در حال حاضر اقلیتی در حدود چهار میلیون نفر از مجموع ۲۵ میلیون نفر جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند، حرکت می‌کند، افزایش مستمر هزینه‌های نظامی و امنیتی باعث شده است که حتی اعتبارهای ناچیز تخصیص یافته به طرحهای مربوط به خدمات اجتماعی در مناطق مسکونی آفریقاییان و آسیاییان، کاهش یابد. این کاهش، همزمان با بروز مشکلات و دشواریهای اقتصادی و نیز کاهش درآمد دولت، بیش از پیش باعث شد که مردم بومی آن کشور، تبعیضها را بیشتر احساس نمایند. در نتیجه، ناراحتیها و نارضایتیها نزد قشرهای وسیعی از مردم آن دیار بروز کرد و سرانجام به درگیریهایی که هر از چند گاهی درباره آنها در روزنامه‌ها می‌خوانیم، منجر شد.

در این مورد گزارشهای خبرنگاران و آگاهان، از منطقه، نشان می‌دهد که مردم بومی آن کشور از پایین بودن سطح زندگی خود شکایت دارند. دلیل آن بالا رفتن هزینه‌های زندگی بویژه افزایش شدید قیمت مواد غذایی، مسکن و پوشاک است. افزون بر این، قشرهای زحمتکش آن کشور، به تازگی شاهد افزایش چشمگیری در میزان بیکاری، همزمان با کاهش میزان سرمایه‌گذاریها و تخصیصهای دولت در محله‌های مسکونیشان بوده‌اند.

از گزارشها و پیش‌بینیهای آگاهان نظامی غربی استنباط می‌شود که هزینه‌های عملیات نظامی دولت آفریقایی جنوبی در نامیبیا - که در آن جنگ شدیدی بین انقلابیون آن سامان با رژیم نژادپرست استعمارگر جریان دارد - در سال گذشته (= ۱۹۸۳ - م) به حدود یک میلیارد راند رسیده است. بنابراین، هزینه‌های نظامی آن کشور به تنهایی - غیر از هزینه‌های امور امنیتی - حدود ۲۲٪ کل بودجه دولت در سال مالی جاری (= ۱۹۸۴ - م) را تشکیل می‌دهد.

□